

شناسایی و راهکارهای برون رفت از آسیب های اجتماعی و اقتصادی در آموزش و پرورش

فرشاد ثامنی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

چکیده

هدف عمده این تحقیق شناسایی و راهکارهای برون رفت از آسیب های اجتماعی در آموزش و پرورش می باشد. در این راستا تحقیق حاضر در ابتدا به بیان نقش آموزش و پرورش و جایگاه در جامعه پرداخت و انواع آسیب اجتماعی در آموزش و پرورش را شناسایی کرد. همچنین ریشه های ایجاد آسیب های اجتماعی را معرفی نمود و انواع آن را به سه دسته عوامل معطوف به شخصیت، عوامل فردی، عوامل اجتماعی طبقه بندی نمود. در ادامه راهکارهای برون رفت از این چالش ها را تشریح نمود. شناسایی آسیب های اجتماعی در آموزش و پرورش و کاهش یا از بین بردن آنها از وظایف اساسی آموزش و پرورش است. با توجه به اهمیت مساله، این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که آسیب های اجتماعی در آموزش و پرورش چه چیزهایی است و راهکارهای برون رفت از آن کدامند؛ بنابراین تحقیق حاضر پس از دسته بندی آسیب های اجتماعی مختلف راهکارهای برون رفت را نیز ارائه داده است؛ بنابراین نتایج تحقیق راهگشایی برای برون رفت از چالش ها برای آموزش و پرورش، معلمان و خانواده ها است.

واژگان کلیدی

عوامل شخصیتی، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، آسیب های اجتماعی، آموزش و پرورش.

۱. گروه اقتصاد و مدیریت، واحد رودسر و املش، دانشگاه آزاد اسلامی، رودسر، ایران. (*نویسنده مسئول: farshadsameni@gmail.com)

مقدمه

بحث آسیب شناسی اجتماعی عمدتاً با مسائل و مشکلات سر و کار دارد. در دهه های اخیر یکی از اقلام اصلی هزینه های جاری دولت ها را که حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد تخمین زده می شود، هزینه های آموزشی عمومی تشکیل می دهد. در حوزه آموزش و پرورش، یکی از مسائلی که باید به آن توجه ویژه نمود؛ مسأله شناخت و پیشگیری از آسیب های اجتماعی می باشد. پژوهش ها و تحقیق های متعدد برای شناخت انواع این آسیب ها و علل بروز آن ها صورت می دهد و نظریاتی را برای حل آن مسائل پیشنهاد می کند. بر این اساس زمینه هایی چون فرهنگ و هنجارهای یک جامعه، ویژگیهای اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی یک جامعه نیز در حوزه مطالعات آسیب شناسی اجتماعی قرار می گیرد. چرا که بررسی آسیبهای اجتماعی بدون در نظر گرفتن شرایط زمینه ای یک جامعه میسر نخواهد بود. هر جامعه ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می تواند مسیر حرکت جامعه را بسوی ترقی و تعامل هموار سازد، بطوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه حل هایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید نموده، در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند.

آسیب شناسی اجتماعی و جنبه های مختلف آن

از زوایه انسان، که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروه های آسیب پذیر یاری نمایند مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند. از زاویه اجتماعی اگر به این آسیب های اجتماعی به موقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است. از جنبه سیاسی، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می دهد و به جای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می نماید، وجود آسیب های اجتماعی، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیب های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیب های اجتماعی ریشه یابی شود و از کلی گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارهای مدرن به جزئیات آسیب های اجتماعی توجه شود. در برخورد با آسیب های اجتماعی تقلید کورکورانه از بیگانگان جایز نیست به دلیل اینکه آسیب های اجتماعی ارتباط کاملی با سنت های هر جامعه دارد و الگو برداری از جوامع دیگر صلاح نیست. آسیب شناسی اجتماعی به بررسی انواع مشکلات می پردازد که در سطح اجتماعی مطرح هستند و سعی می کنند علل مختلف آنها را از جنبه های مختلف فردی، اجتماعی و غیره مورد بررسی قرار دهد. آسیب های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی هستند، در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیرات خود را می گذارند؛ اما آن چه جوامع مختلف را در این مورد از هم متفاوت می سازد، نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن است. در مورد نگرش، آن چه مهم است این که این آسیب ها چرا به وجود آمده اند؟ آیا وجود آسیب ها در جوامع امری لازم و ضروری است یا می توان جامعه ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسش ها مستلزم شناخت نظریه های مختلف جامعه شناسی و روان شناسی است که هر کدام سعی در تبیین

مسائل، آسیب ها و بحران های اجتماعی از نظر گاه های مختلف دارند. این دید گاه ها متأثر از باورهای سیاسی و اقتصادی هر جامعه است. سیاست های اجتماعی هر جامعه ای روش های مختلفی را در برخورد با آسیب های اجتماعی پیشنهاد می کند. شیوه ی برخورد با این مسائل هم چنان که پیشتر گفته شد، ارتباط مستقیمی با این سیاست ها دارد. این سیاست ها را هم نهادهایی که در تمامی جوامع وجود دارد تعیین می کند. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب های اجتماعی هم نظرگاه های مختلفی وجود دارد. عده ای روش انکار و پرده پوشی را تجویز می کنند و عده ای دیگر به روش های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می کنند با قبول وجود این آسیب ها، علت آن ها را با استفاده از روش های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آن ها از روش های منطقی سود ببرند. این جوامع، آنهایی هستند که در آن ها انباشت علمی صورت گرفته و در اثر ارتباط با فرهنگ های مختلف به سطحی از آگاهی رسیده اند که به حق آزادی و برابری انسان ها و حق برخورداری تمامی انسان ها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد داشته باشند.

انواع آسیب های اجتماعی تهدید کننده آموزش و پرورش

۱- پیامدهای منفی ازدواج زودهنگام دختران شاغل به تحصیل در آموزشگاه های عادی روزانه

ازدواج پدیده ای اجتماعی و امری مقدس است. هر پدیده اجتماعی (و ازدواج نیز که از این قاعده جدا نیست) متأثر از شرایط مکانی و زمانی خاص خود است. دیر زمانی بود که ازدواج کردن در سنین ۱۲ و ۱۳ سال ثمر عمومی جامعه بود و سنین بسیار بالاتر از آن امری غیرطبیعی و غیرنرمال بود. با گسترش شهرنشینی، افزایش مدارس و میل به گسترش سواد و افزایش سطح تحصیلات و... موجب بالارفتن سن ازدواج شد؛ اما امروزه در برخی موارد شاهد ازدواج دختران مقطع متوسطه اول (در سنین ۱۲ و ۱۳ ساله) هستیم. عواملی نظیر وجود رسوم و سنن قومی و فرهنگی خاص یک قومیت، چشم و همچشمی والدین در تسریع این کار و... موجب رخ دادن چنین ازدواج هایی می شود. حضور این دانش آموزان تازه متأهل شده (در قالب نامزدی، عقد موقت و صیغه محرمیت و...) در کنار سایر دانش آموزان پیامدهای منفی به همراه دارد. به هر حال باید پذیرفت دختری که در شرایط امروزی جامعه در سن ۱۲ سالگی (پایه هفتم) ازدواج می کند (چه عقد دائم چه موقت و صیغه محرمیت که در شناسنامه درج نمی شود و هیچ ممانعت قانونی برای عدم ادامه تحصیل چنین افرادی در مدارس عادی روزانه نمی تواند وجود داشته باشد) و با توجه به خصوصیات کودکان در این سن، صاحب دنیای روحی متفاوتی و تجربیات جدیدی از زندگی تأهلی می شوند. کنجکاوی های دانش آموزان و میل به دانستن خاطرات و تجربیات دوست نو متأهل شان و پرسش های بی پایانی که در این مورد وجود دارد و انتقال بی واهمه تجربیات و خاطرات خود برای دیگر همکلاسی ها (اعم از تجارب جنسی، تغییر حالات روحی روانی و...) منجر به سرایت به دیگر دانش آموزان می شود و چون قبح اخلاقی در این مورد وجود ندارد و آن ها این کار را قبیح نمی دانند؛ چون بسیاری از قبح های اخلاق شکسته می شود و نیز در دنیای کودکان خود به سر می برند بی هیچ واهمه و شرم و حیایی به راحتی تجارب جدید خود را به دانش آموزان دیگر انتقال می دهند.

۲- اعتیاد به سیگار

با توجه به دسترسی آسان و ارزان قیمت و عدم محدودیت قانونی و اخلاقی در تهیه و خرید سیگار که می تواند زمینه را برای گرایش دانش آموزان (خاصه متوسطه دوم) به آن فراهم کند، از نظر ما مهم ترین عوامل گرایش این گروه به سیگار عبارتند از: ۱- انگیزه های کاذب و انحرافی نظیر خودنمایی، شخصیت یابی، مورد توجه قرار گرفتن و جلب توجه کردن،

۲- رهایی از مشکلات (روحي و رواني)، ۳- عدم توانایی نه گفتن به پیشنهادهاي جمع و دوستان، ۴- کسب تجربه و کنجکاوي، ۵- نداشتن قبح اخلاقي و اجتماعي مصرف سيگار در جامعه (مصرف سيگار نه مانند مشروبات الکلي حرمت شرعي دارد و نه مانند مواد مخدر منع قانوني)، ۶- مصرف سيگار از سوي گروه‌هاي مرجع نظير هنر پيشگان و ورزشکاران و....

۲- اعتياد به مواد مخدر به ويژه مخدرهاي صنعتي

سابق بر اين غالب مخدرها طبيعي و گياهي بودند. اکنون غالب مواد مخدر نوعي فراوده آزمایشگاهی هستند و در يك فرايند صنعتي تركيب و ساخته می شوند. از نظر ما مهم ترين عوامل گرايش دانش‌آموزان به مخدرهاي صنعتي عبارتند از: ۱- گسترش تبليغات آن در فضاي مجازي و شبکه‌هاي اينترنتي ۲- انگيزه‌هاي کاذب و انحرافي نظير خودنمايي، شخصيت يابي، مورد توجه قرار گرفتن و جلب توجه کردن، ۳- رهايي از مشکلات (روحي و رواني)، ۴- عدم توانایی نه گفتن به پيشنهادهاي جمع و دوستان، ۵- کسب تجربه و کنجکاوي، ۶- ورود به يك فضاي خلسه و هپروتي و نشنگي، ۷- انگيزه داشتن تناسب اندام، کاهش وزن و لاغر شدن (خاصه در دختران).

۳- مصرف مشروبات الکلي

اين موضوع با توجه با حرمت شرعي آن و حجيم بودن (نسبت به ديگر مخدرها) شايد اينگونه به ذهن برسد که کمتر مصرف می شود. ولي با توجه به جذابيت‌هاي آن برای نسل نوجوان و جوان به ويژه در مراسم جشن و پارتی (جشن تولد دوستان) که معمولاً خارج از نظارت والدين انجام می گيرد، مراسم عروسي، سفرهاي تفريحي با دوستان در خارج از شهر و... بيشتر مورد استفاده قرار می گيرد. ضمن اينکه شکل هايي از آن در بسته بندي هاي شيك به عنوان شربت و آب ميوه خارجي در برخي سوپر مارکت‌ها ممکن است به آساني در معرض خريد و فروش قرار بگيرد. علاوه بر اين، بيشتر عواملی که موجب کشش دانش‌آموزان به سمت مشروبات الکلي می شود همان‌هايي است که در مورد سيگار و مخدرهاي صنعتي ذکر شد.

۴- خشونت، پرخاشگري و نزاع

پرخاشگري و رفتارهاي تهاجمي نوعي از اعمال خشونت بار عليه ديگران است که می تواند باعث آسیب يا صدمه به ديگران شود. بيشتر کارشناسان پرخاشگري کودکان را به شکل پرخاشگري آشکار در بردارنده پرخاشگري جسماني مانند زدن، هل دادن، لگد زدن، پرتاب اشياء و تهديد به انجام اين اعمال همراه با حملات عمدي ييزار کننده و آزاردهنده برای قرباني؛ و پرخاشگري پنهان، تعريف کرده اند. در پسران بيشتر پرخاشگري جسماني و در دختران پرخاشگري پنهان بيشتر گزارش شده است. در ميان همه آسیب‌هاي اجتماعي اين پديده ييش از همه و در بيشتر سنين و مقاطع تحصيلي وجود دارد. ميل به برتري جويي، جلب توجه کردن، نداشتن راه‌هاي احقاق حق و عدم برخورداری از مهارت‌هاي کنترل خشم، موجب بروز چنين پديده‌اي می شود. عواملی که به خشونت در مدرسه می انجامد عبارتند از:

- وقتی کودک توسط دانش‌آموزان ديگر مورد تمسخر قرار گيرد
- وقتی کودک توسط دانش‌آموزان ديگر کنک بخورد و قادر به دفاع از خود نباشد
- وقتی کودک مرتب اشياء و وسايل خود را گم می کند
- وقتی کودک از لحاظ ظاهري مورد تمسخر قرار گيرد

• خجالتی بودن و سکوت مکرر در کلاس

• افت تحصیلی

۵- مخاطرات مربوط به فضای سایبری و مجازی و شبکه اینترنت

در دو دهه اخیر گسترش شبکه جهانی اینترنت و پیدایش فضای سایبری و مجازی علی‌رغم داشتن مزایا و مواهب فراوان و جنبه‌های مثبت که بر هر صاحب نظر و نیز کاربری پوشیده نیست، دارای عوارض و پیامدهای منفی و مخربی نیز هست. مهم ترین عوارض منفی و مخاطرات فضای مجازی عبارتند از اعتیاد به اینترنت (استفاده بی رویه و داشتن حرص و ولع در استفاده از آن)، پرونوگرافی (هرزه‌نگاری)، قرار گرفتن در معرض پیام‌ها و تبلیغات شبکه‌های غیراخلاقی و مبتذل، قرار گرفتن در معرض پیام‌ها و تبلیغات سایت‌های منسوب به فرقه‌های انحرافی و ضد دینی؛ که در این بند بر محتویات غیر اخلاقی و مستهجن شبکه اینترنت تأکید می‌شود. امروزه با گسترش و تنوع ابزارهای چندرسانه‌ای نظیر کامپیوترهای شخصی (P.C)، لب تاپ، تبلت و گوشی‌های همراه دارای سیستم عامل و... به راحتی دانش آموزان در کمتر از چند ثانیه به این محتویات غیراخلاقی دسترسی پیدا می‌کنند و در معرض آن قرار می‌گیرند. چه بسا اولیایی که در برابر گریه و نق‌زدن فرزندانشان گوشی و تبلت برای وی خریداری کنند بدون آنکه خود والدین دانش و کاربرد آن را بدانند و یا نظارتی بر کار فرزندانشان داشته باشند.

مارشال مک لوهان نظریه‌پرداز حوزه ارتباطات در رابطه با تمدن و فناوری‌های ارتباطی نظری دار که ما در اینجا با جایگزینی واژه «خانواده» به جای «فرهنگ و تمدن» عین عبارات را نقل می‌کنیم: «خانواده‌ها هیچ‌گاه درک نمی‌کرده‌اند که ضربه اصلی را از کجا و به چه دلیل خورده‌اند. ضربه فناوری آنچنان به کندی و نرمی فرود می‌آید که کسی به درک آن موفق نمی‌شود.» (به نقل از سیف‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۰۳)

گرچه غالب دانش آموزان با انگیزه‌های سرگرمی، علمی، تحقیقی و ... از اینترنت استفاده می‌کنند اما با توجه به تحت تأثیر گروه همسالان بودن و انگیزه کسب تجربه و کنکاوی، در دید رأس والدین نبودن، تأخر و عقب ماندگی نسبی والدین نسبت به فرزندانشان در حوزه فناوری‌های رسانه‌ای، مقتضیات سن بلوغ، پیش رسی آگاهی‌های جنسی، سهولت دسترسی به این گونه محتویات و... آنان را به فضای مجازی با محتوای غیراخلاقی که دارای انواع تصاویر، ویدئو، متن و مطالب هرزه‌نگاری است می‌کشاند. نبود هیچ گونه محدودیت و قید و بند اخلاقی (با هر فیلتر گذاشتن، سریعاً فیلتر شکن خاص آن تولید و به بازار عرضه می‌شود و دسترسی و بارگیری آن در فضای مجازی نیز بسیار آسان است). کودک و نوجوان را به راحتی در معرض بزرگ‌ترین آسیب‌های جدی روحی، جسمی و اجتماعی قرار می‌دهد. دسترسی سریع و برخط (آنلاین) به اینگونه محتویات و نیز انتشار مجدد و بازنشر آن از طریق بلوتوث، کپی کردن، شبکه‌های اجتماعی و... به گسترش و اشاعه بیش از پیش آن کمک می‌کند. از طرف دیگر خانواده‌ها با گسترش موج تکنولوژی و اصرار فرزندانشان و نیز احساس عقب افتادگی ممکن است با خریداری گوشی‌های پیشرفته و دارای سیستم عامل، این زمینه را تقویت کنند.

۷- ظهور عرفان‌های کاذب و فرقه‌های نوپدید دینی و انحرافی

در طول تاریخ این چنین گروه‌ها و حلقه‌های وجود داشته است؛ اما خطر چندانی ایجاد نمی‌کرده است اما در عصر ما و با وجود پدیده جهانی شدن و گسترش رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی دامنه و عمق نفوذ و تأثیرگذاری این فرقه‌ها افزایش یافته است. مثلاً یک فرقه شیطان‌پرست در آمریکا به راحتی می‌تواند عقاید خود را در فضای مجازی اشاعه دهد. چون

اینترنت مرز نمی شناسد و زمان و مکان خنثی می شود و دانش آموز نوجوان ما در خیابان، خانه مدرسه و... به با ورود به دنیای مجازی به راحتی در معرض افکار مخرب (پیام ها، ارزش ها، هنجارها، عضو گیری و...) چنین گروهی قرار می گیرد.

۸- اقدام به خودکشی

بین خودکشی و اقدام به خودکشی تفاوت وجود دارد. کسی که دست به خودکشی می زند و این عمل منجر به مرگ وی می شود خودکشی نام دارد اما اگر این کار وی منجر به مرگ نشود و با حضور به موقع والدین و دیگران و انتقال سریع به بیمارستان از مرگ نجات یافت این کار اقدام به خودکشی (خودکشی ناموفق) نام دارد. پژوهش های ما نشان می دهد که در امر خودکشی تغییرات عمده ای صورت گرفته. امروز اقدام به خودکشی بیشتر در قالب خوردن حجم وسیعی از دارو (مسمویت دارویی)، قرص برنج و... روی دهد و بسیاری از خانواده ها برای حفظ آبرو در این مورد پنهان کاری می کنند.

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی

علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی را می توان به سه دسته اساسی تقسیم بندی نمود: ۱. عوامل معطوف به شخصیت؛ ۲. عوامل فردی؛ ۳. عوامل اجتماعی.

۱. عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از عمده ترین آن ها در زیر بیان می شود:

از ویژگی های اساسی شخصیتی افراد بزهکار، عدم پابندی به قوانین و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی می باشد؛ ولی معمولاً از نظر خودشان در اصل و یا در مواقعی خاص، این گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی شود. افراد روان رنجور و روان پریش نسبت به ارزش ها، هنجارها و مقررات اجتماعی بی تفاوت بوده و کمتر آن ها را رعایت می کنند. اعمال و شیوه های رفتاری این گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می کند و موجب می شود که رعایت ارزش های اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زیر سؤال رفته و آن را به پایین ترین سطح عمل تنزل دهد.

برخی از مشخصه های بارز و برجسته شخصیتی این گونه افراد، خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی، فریبندگی ظاهری و عدم احساس مسئولیت می باشد. این گونه افراد به پیامدهای عمل خود توجه ای ندارند. این نوع شخصیت ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می کنند تا جلب توجه کنند. اغلب این افراد والدینی داشته اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی توجه بوده اند یا سرد و طردکننده بوده و یا بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می نهند. آنان به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می کنند. سرانجام گروهی از افراد بزهکار نیز مشخصه بارزشان، پرجوش و خروشی و بیان اغراق آمیز، هیجانی، روابط طوفانی بین فردی، نگرش خودمدارانه و تأثیرپذیری از دیگران است. هیجان طلبی، ماجراجویی، تنوع طلبی، کنجکاوی،

استقلال طلبی افراطی، خودباختگی احساسی و غلبه کنش های احساسی بر کنش های عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیت های خطرناک و ارتکاب اعمال بزهکارانه رهنمون می کند. از دیگر مشکلات روحی روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می شود، می توان به ضعف عزت نفس، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی اشاره کرد.

۲. عوامل فردی

افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاضله ای که رسانه های ملی و یا ماهواره ها تبلیغ می کنند، مرتکب جرایم می شوند. گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می شوند خود را به گونه ای دیگر نشان دهند و به اصطلاح خودی نشان دهند؛ و این حکایت از میل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

۳. عوامل اجتماعی

در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، می توان بیان کرد که عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که مهم ترین آن ها عبارتند از:

الف. عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی

تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است؛ بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های مذهبی باشد.

ب. محیط

محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد. با دقت در پیدایش هر جرمی می توان بیان کرد که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی های آن اسیر می شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود.

ج. نوع شغل

همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند. از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل

دولتی حایز اهمیت است. در حالی که بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی شود. علاوه بر این، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد نیز موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است.

د. فقر و مشکلات معیشتی

عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوای طلبی را در فرزندان فراهم می سازد. این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند. از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است. پژوهش های نظری مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های موردنظر در اختیار داشته باشند (و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد) و هدف اصلی فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های موردنظر جامعه را نمی توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشوه و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می یابد.

ه. آشفته گی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای مواج اجتماع، گرفتار ناملایمات می شوند. علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوری فرد به ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود.

و. بی کاری و عدم اشتغال

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند. علاوه براین، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

ز. رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه ها از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات مبتذل به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه های آسیب های اجتماعی مختلف شده است. از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه های ماهواره ای خارجی، با مضامین زندگی های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است.

ح. طرد اجتماعی

چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زنند.

ط. دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افند و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد تا حدی که اگر بنا باشد

در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصرأزیر نفوذ گروه قرار می گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از معنادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و معتاد می شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن هاست و از سوی دیگر، معنادان هم علاقه مندند که مواد مخدر را به طور دسته جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند. از این رو، معنادان علاقه مندند که دوستان و همسالان خود را به جرگه اعتیادشان بکشاند. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدّماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشند و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود زیاد است. همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است.

ی. فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می کند. تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود.

تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزّت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می کند و با ایجاد بحران های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس العمل های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می دهد. همان گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می تواند عامل بروز ناهنجاری های رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می تواند زمینه بروز ناهنجاری های رفتاری در آنان شود.

راهکارهای مبارزه با آسیب های اجتماعی

برخی از این آسیب ها نو پدید هستند مانند (مخاطرات دنیای مجازی و اینترنت) و برخی چندین دهه وجود داشته است (مانند مصرف سیگار)؛ برخی آسیب ها در همه سال های تحصیلی وجود دارند (خشونت و پرخاشگری) و برخی مربوط به یک مقطع خاص یا جنس خاص هستند. با توجه به تقدم پیشگیری بر درمان، راه حل های پیشنهادی (برخی راه کارها مشخصاً در مورد یک آسیب است و برخی دیگر به چند آسیب مربوط می شود) بدین شرح ارائه می شود:

تشکیل و تقویت کارگروه ویژه و تخصصی «کمیته پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و سوء مصرف مواد» در ادارات آموزش پرورش.

راه‌حل‌های قهری، خشونت آمیز و برخوردهای تند شاید در نگاه اول مفید باشند اما فقط صورت مسئله را پاک می‌کنند. در حالی که این آسیب‌ها باید به شکل اساسی شناخته شوند، از نظر سن، جنس و مقطع تحصیلی تفکیک شوند تا تصمیمات کارشناسانه اتخاذ گردد.

کمک گرفتن از معاونت پژوهشی ادارات آموزش و پرورش یا مراکز دانشگاهی و انجام یک پژوهش گسترده و علمی با در نظر گرفتن متغیرهای مختلف؛ تا ابعاد، عمق و وسعت هر آسیب به‌طور جدی و به استناد آمار و اطلاعات لازم شناسایی شود.

تأکید بر نماز؛ پژوهش‌های ما نشان می‌دهد که نماز نقش مؤثر و بازدارنده‌ای در مورد آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی دارد. چرا که خداوند متعال در قرآن کریم (آیه ۴۵ سوره عنکبوت) می‌فرماید: «همانا نماز، اهل نماز را از بدی‌ها و منکرها باز می‌دارد».

حضور ائمه جماعات و نیز طلبه‌های خوش‌فکر و صاحب‌نظر حوزه‌های علیمه در مدارس و آموزشگاه‌ها و اختصاص وقت مفید و کافی به آن‌ها برای پاسخ‌گویی به شبهات دانش‌آموزان در مواردی نظیر فرقه‌های نوپدید دینی، عرفان‌های کاذب و... متأسفانه برخی مدیران مدارس ما حاضر نیستند که یک جلسه از درس زبان یا هندسه دانش‌آموزان کسر شود و به تأثیرات مخرب فضای مجازی و اینترنت پرداخته شود! اگر دانش‌آموزی فرمول‌های ریاضی را به خوبی یاد نگرفت فقط لطمه آموزشی می‌بیند ولی اگر در حوزه آسیب‌های اجتماعی لطمه اخلاقی، فکری و دینی بخورد چه کسی پاسخگوست؟

مساعادت و همکاری «دایره آموزش نیروی انسانی» در برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت با عنوان «آسیب‌های اجتماعی مبتلا به در آموزش و پرورش و راهکارهای مقابله با آن». متأسفانه بیشترین حجم کلاس‌های آموزش ضمن خدمت ما یا در مورد کتب جدید التالیف است یا موارد مشابه. به‌راستی از زمان ظهور پدیده اینترنت و نرم افزارهای چندرسانه‌ای و رسانه‌های چند منظوره و گسترش و عمومیت آن در بین دانش‌آموزان و نوجوانان تا کنون چند کلاس و چند ساعت آموزش متناسب با آن برای معلمان برگزار شده است؟ معلمی که عمق آسیب و راهکارهای مقابله با آن را نداند چگونه می‌توان در کلاس از آسیب‌های اجتماعی سخن بگوید؟ پس لزوم برگزاری چنین دوره‌های آموزشی به شدت ضرورت دارد.

آموزش لازم به معلمان در مورد برخورد آنی با دانش‌آموزان در معرض آسیب‌های اجتماعی. گاهی اوقات روش برخورد غلط و قهری فقط صورت مسئله را پاک می‌کند. مثلاً معلمی در حین تدریس متوجه رفتار مشکوک دانش‌آموزی می‌شود که به طور مخفیانه مشغول تماشای یک ویدئو مستهجن در گوشی موبایل خود است. عصبانیت شدید معلم، تنبیه بدنی، گرفتن گوشی و تحویل دادن به مدرسه و تهدید کردن و اخراج و یا ترک تحصیل وی فقط صورت مسئله را پاک می‌کند آیا وقتی وی اخراج شد و یا ترک تحصیل کرد دیگر چنین تصاویری را مشاهده نمی‌کند. لذا معلم باید با راهکاری صحیح ضمن حفظ حرمت و شخصیت وی در برابر دیگر دانش‌آموزان و صحبت خصوصی و دوستانه با وی یا ارجاع او به مشاور و... عمل کند.

دعوت از مشاورین آگاه و روانشناسان خبره برای حضور در مدارس و اختصاص وقت مفید و تجهیزات آموزشی، کامپیوتر، ویدئو پروژکشن و... به آنها برای برگزاری جلسات مشاوره‌ای‌شان.

برگزاری کلاس‌های آموزشی و کارگاهی (work shop) با حضور مشاوران و کارشناسان برای اولیا و انجمن‌های اولیا و مربیان. (اولیا را فقط برای پول و کمک‌های مالی به مدرسه دعوت نکنیم!) این موضوع را به آنان تفهیم کنیم که مسایل مهم تری وجود دارد که آنها باید بیابند و از آن آگاه شوند. آشنایی والدین با مخاطرات فضای مجازی، داشتن رفتار دوستانه با فرزندان‌شان، چگونگی نظارت بر استفاده فرزندان‌شان از رسانه‌های ارتباطی چند منظوره، مخاطرات ماهواره و... می‌تواند از رئوس آموزش چنین کارگاه‌های آموزشی باشد.

شناسایی افراد مبتلا به یا در معرض آسیب‌های ذکر شده و ارجاع آنان به مشاوره خاص و فردی و مراجع ذیصلاح؛ البته با حفظ حرمت و کرامت آنان و رعایت اصول حراستی، اخلاقی و نهان روشی.

معلمان و دبیران در جلسات مداوم در طول سال به بحث آسیب‌های و مخاطرات اجتماعی پیش روی دانش‌آموزان بپردازند و در این مورد از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنند. بسیاری از ما گمان می‌کنیم رسالت ما آموزش و تعلیم است و امر تربیت و پرورش برعهده معلمان دینی و پرورشی است. آیا با منطق جور درمی‌آید از ۳۰ ساعت برنامه آموزشی هفتگی، ۲۸ ساعت به آموزش و ۲ ساعت به پرورش اختصاص یابد. باید بپذیریم که تربیت مقدم بر تعلیم است و پرورش بر آموزش اولویت دارد. تأکید شدید بر آموزش موجب رشد تک‌بعدی (دانش) در بین فراگیران می‌شود در حالی که پرورشی با پرورش روح و روان آنان و انتقال مهارت‌های زندگی اجتماعی و رشد و پرورش یک شهروند اخلاقی سروکار دارد. یادگیری مهارت‌های زندگی مهم‌تر از یادگیری فرمول‌ها، ایات و ... است.

فعال‌سازی مشاوران مدارس؛ متأسفانه برخی از مشاوران مدارس یا دارای مدرک غیرمرتبط هستند یا در مدارس حضور فعال و مثبتی ندارند یا فقط به مشاوره آموزشی و تحصیلی و انتخاب رشته می‌پردازند. مشاوران ضمن اینکه باید در ساعات موظف به‌طور تمام وقت در اتاق اختصاصی خود (نه دفتر مدیر و معاونین) حضور یابند و دلسوزانه به مسایل و مشکلات دانش‌آموزانی که در معرض این گونه آسیب‌ها قرار دارند و شناسایی دانش‌آموزان مستعد این گونه آسیب‌ها، توجه کنند و در هر مورد ویژه، راهکار ویژه ارائه دهند.

گوشرد کردن خطرات استفاده از سیگار برای نوجوانان و جوانان. (خطرات جسمی، اجتماعی و...) این امر فقط برعهده معاونان پرورشی مربیان و معلمان امور تربیتی نیست. چه بسا سخنان دبیر ریاضی مؤثرتر از نصایح معلم پرورشی باشد. ایجاد فضای گفتگو و پرهیز از سخنرانی‌های طولانی، بحث‌ها یک طرفه و نصیحت‌کنندگی و آمریت. به طوری که دانش‌آموز آسیب دیده یا در معرض آسیب، دلسوزی را در حرف‌های گوینده احساس کند.

حضور کارشناسان مبارزه با مواد مخدر و نیروی انتظامی در مدارس و ایجاد یک فضای صمیمی و گفتگویی برای آگاه کردن دانش‌آموزان از پیامدها و خطرات و آسیب‌های مواد مخدر و مشروبات الکلی و...

آموزش مهارت‌های کنترل خشم. عامل اصلی که دانش‌آموزان با بروز کوچک‌ترین عصبانیت نسبت به دیگر دانش‌آموزان یا افراد جامعه به خشونت متوسل می‌شوند این است که مهارت‌های کنترل خشم (که بخش مهمی از مهارت‌های زندگیست) را نمی‌دانند.

آگاهی دادن به اولیا خصوصاً مادران که ازدواج زودهنگام دخترانشان در سن ۱۲ و ۱۳ سالگی پیامدهای منفی فراوانی به همراه دارد. از آنجا که این کار یک امر فرهنگی است و به فرهنگ و قومیت آن خانواده مرتبط است، شاید در کوتاه

مدت به نتیجه نرسد. ولی در موارد اتفاق افتاده باید از مدیران خواست که در همان ابتدای سال به والدین تأکید شدید کنند که در صورت رخدادن امر ازدواج برای دخترن کم سن و سالشان به مخفی کاری روی نیاورند و سریعاً مراتب را به مدرسه گزارش دهند. مدرسه نیز به توجه به وجود مدارس شبانه دختران بزرگسال، موارد مشخص شده را به این گونه مدارس ارجاع دهد. (گرچه حضور یک دختر بچه ۱۲ ساله تازه متأهل در کنار یک زن متأهل ۳۰ ساله نیز خالی از آسیب و خطر نیست. با این حال مخاطرات آن کمتر از حضور این نو متأهلان در مدارس عادی روزانه است).

در مورد اقدام به خودکشی علی‌رغم اینکه آمار چندان دقیق و شفافی در دسترس نیست، باید برخی افراد آسیب‌پذیر این حوزه (نظیر کسانی که دچار شوک عاطفی شده‌اند، افراد مایوس و گوشه گیر و منزوی و...) را شناسایی و شرایط را برای بازیابی و بازگشت مجدد آنها به شرایط عادی فراهم کرد. در مورد اقدام به خودکشی ضمن بیان پیامدهای منفی خودکشی و قبیح بودن و گناه بودن این امر و ضمن رعایت جمیع جوانب و احتیاط کامل و آگاهی دادن به خانواده‌ها، پیامدهای منفی اجتماعی خودکشی نظیر بی اعتباری و به خطر افتادن آبرو حیثت فرد و خانواده، از دست دادن ازدواج (مثلاً چه کسی حاضر است در آینده با فردی که سابقه اقدام به خودکشی دارد ازدواج کند؟) و از دست دادن بخت اشتغال، تغییر چهره و از بین رفتن زیبایی صورت، از دست دادن دوستان صمیمی و نزدیک، طرد اجتماعی و... مطرح بشود.

پیشنهادهای پیشگیرانه از چالش‌های موجود در آموزش و پرورش در بخش آسیب‌های اجتماعی

- توجه به مهارت‌های اجتماعی در برنامه ریزی درسی
- نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان
- آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست یابی و خود شناسی و کشف خود در محتوای آموزشی
- اجازت‌دهی ابراز وجود به دانش‌آموزان از طریق دادن مسئولیت و استفاده از دیدگاه‌های آنان در مدرسه
- تقویت عزت نفس و احترام دانش‌آموزان توسط معلم
- تقویت ارزشهای دینی دانش‌آموزان توسط معلمان
- تقویت ارزشهای دینی در خانواده
- آموزش نه گفتن از کودکی در خانواده‌ها از طریق اهمیت دادن به اظهار نظر وی و شروع از موارد کوچک و غیرمهم.

اولویت مشاوره برای متوسطه دوم

- اجرای طرح توانمندسازی روانی، اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان
- طرح مشاوره هم‌تایان متوسطه اول، رابطان هسته‌های مشاوره ابتدایی
- ارایه خدمات تخصصی روان‌شناختی و مشاوره‌ای
- طرح آمایش مشکلات و آسیب‌شناسی روانی - اجتماعی دانش‌آموزان
- طرح همکاری خانه و مدرسه با هدف ارتقای مهارت‌های ارتباطی

نتیجه‌گیری

تحقیق نشان داد که آموزش و پرورش کلید فتح آینده است و از دیرباز انتظار از آموزش و پرورش آن بوده است که انسان‌های فردا را تربیت کند و نسل امروز را برای زندگی در جامعه فردا آماده سازد. ولی این نهاد با چالش‌های

متعددی مواجه می‌باشد؛ که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اعتیاد به سیگار؛ اعتیاد به مواد مخدر به ویژه مخدرهای صنعتی؛ مصرف مشروبات الکلی؛ پیامدهای منفی ازدواج زود هنگام دختران شاغل به تحصیل در آموزشگاه‌های عادی روزانه؛ مخاطرات مربوط به فضای سایبری و مجازی و شبکه اینترنت؛ خشونت، پرخاشگری و نزاع؛ مخاطرات مربوط به بروز و ظهور فرقه‌های انحرافی دینی و عرفان‌های کاذب؛ اقدام به خودکشی. جهت برون از این چالش‌ها راهکارهایی زیر پیشنهاد گردید: آموزش نه گفتن از کودکی در خانواده‌ها از طریق اهمیت دادن به اظهار نظر وی و شروع از موارد کوچک و غیرمهم، نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان آموزش نه گفتن از کودکی در خانواده‌ها از طریق اهمیت دادن به اظهار نظر وی و شروع از موارد کوچک و غیرمهم، نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان ارایه خدمات تخصصی روان‌شناختی و مشاوره‌ای، نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنان، طرح آمایش مشکلات و آسیب‌شناسی روانی- اجتماعی دانش‌آموزان طرح آمایش مشکلات و آسیب‌شناسی روانی- اجتماعی دانش‌آموزان، طرح همکاری خانه و مدرسه با هدف ارتقای مهارت‌های ارتباطی، ارایه خدمات تخصصی روان‌شناختی و مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست‌یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی، تقویت ارزشهای دینی در خانواده، طرح همکاری خانه و مدرسه با هدف ارتقای مهارت‌های ارتباطی، تقویت عزت نفس و احترام دانش‌آموزان توسط معلم، تقویت ارزش‌های دینی در خانواده.

منابع و مآخذ

- اکرمی، موسی ۱۳۷۶. آینده‌شناسی و آینده. نگرانی‌های، شماره ۱۶، صفحه ۶۸ تا ۷۵.
- آزادارمکی، تقی و بهار، مهری. (۱۳۷۷). بررسی مسایل اجتماعی. تهران: مؤسسه نشر جهاد.
- تافلر، آلون و تافلر، هایدی ۱۹۹۵. به سوی تمدن جدید - سیاست در موج. سوم: ترجمه محمدرضا جعفری. (۱۳۷۴) تهران انتشارات سیمرغ.
- پیچی، آنورلیو (۱۹۸۳). جهان در آستانه قرن بیست (و یکم گزارش باشگاه رم).: ترجمه علی، اسدی: تهران انتشارات انقلاب اسلامی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: سروش.
- رجبی، محمود. (۱۳۸۲) درآمدی بر احساس امنیت عینی، فصلنامه دانش انتظامی (نشریه دانشگاه علوم انتظامی)، شماره ۲۶
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) - - تهران- انتشارات آوای نور- چاپ. شانزدهم
- شهبازی، وهاب (۱۳۷۳). «بررسی محتوای کتاب-های درسی تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره ابتدایی از نظر انطباق با اهداف راهنمایی شغلی در این دوره از نظر رابرت هاپاک»، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- محسنیان، سرور (۱۳۸۳). بررسی نقش کتاب-های درسی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

- نصر اصفهانی، احمد رضا؛ مریم فاتحی زاده و فاطمه فتحی (۱۳۸۳). «جایگاه مهارت-های اجتماعی مورد نیاز دانش-آموزان در کتاب-های درسی عمومی دوره متوسطه». دانشور: رفتار. سال یازدهم - شماره ۹. اسفند ۱۳۸۳.
- رییس دانا، فریبرز. (۱۳۸۰). بررسی هایی در آسیب شناسی اجتماعی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- فرخجسته، هوشنگ. (۱۳۸۰) بررسی تاریخی ایستارها و ذهنیت ها در ایران. (مجموعه مقالات امنیت عمومی و وحدت ملی) تهران: وزارت کشور، معاونت امنیتی و انتظامی.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۳)، آسیب شناسی کج روی های اجتماعی - محمدحسین فرجاد- تهران- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه-. چاپ اول- بهار
- بورگ و همکاران (۱۹۹۶). روش-های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران. تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- عریضی، حمیدرضا و احمد عابدی (۱۳۸۲). تحلیل محتوای کتاب-های درسی دوره ابتدایی بر حسب انگیزه پیشرفت. فصلنامه نوآوری-های آموزشی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۲. ص ۳۰-۵۳.
- بیگدلی، زاهد و زویا آتام (۱۳۸۲). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی و تغییر نگرش دانشجویان کتابداری و روانشناسی بالینی در دانشگاه شهید چمران اهواز. فصلنامه کتابداری. سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، تابستان ۱۳۸۲. ج ۶، ش ۲. ص ۴۷-۶۶
- یعقوبی، جعفر؛ علی اصغر میرزایی و اسماعیل کرمی دهکردی (۱۳۸۲). بررسی میزان انعکاس موضوع-های منابع طبیعی در کتاب های درسی. جنگل و مرتع. شماره ۵۹. ص ۳۵-۳۷ تابستان ۱۳۸۲.
- رئیس دانا، فرخ لقا (۱۳۷۴). «تحقیق و بررسی محتوای برنامه درسی ریاضی دوره راهنمایی تحصیلی». فصلنامه تعلیم و تربیت. دوره ۱۱ شماره ۱ و ۲. ص ۸۶-۱۰۷. بهار و تابستان ۱۳۷۴. پیاپی ۴۱-۴۲.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول.
- نصری، غدیر. (۱۳۸۱). معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت. تهران: نشریه تحقیقات استراتژیک، شماره ۲.
- شکیبایان، طناز (۱۳۸۵). «بررسی شکل-گیری هویت ملی در کتاب-های درسی دوره ابتدایی». پژوهش های تربیتی. دوره ۲. شماره ۳ و ۴. بهار-تابستان ۱۳۸۵. ص ۶۹-۸۴
- مهکام مجله اینترنتی آموزش خانواده - عوامل فرهنگی مؤثر در بروز آسیب های اجتماعی
- مایر، فردریک (۱۹۹۵). تاریخ اندیشه های. تربیتی: ترجمه علی اصغر فیاض ۱۳۷۴. تهران انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده های ژئوپلتیک و واقعیت های. ایرانی: تهران نشر نی
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۷). اهمیت آینده شناسی؛ و دورنگری نامه ۴ سفید، شماره، ص ۳۵.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۴). چرا باید برنامه های درسی را به سوی مسأله محور سوق دهیم؟ فص لنامه
- تعلیم و تربیت، شماره، ۴۴ ۴۲، ص تا ۲۸ ۱۰.
- هلک، ژاک (۱۹۹۰). سرمایه گذاری برای آینده آموزش؛ و پرورش: ترجمه عبدالحسین. نفیسی: تهران. انتشارات مدرسه.
- هانتینگتن، ساموئل (۱۹۹۳). موج سوم. دموکراسی: ترجمه احمد شمس. تهران نشر روزنه.
- هانتینگتن، ساموئل (۱۹۹۵). نظریه برخورد تمدنها: ترجمه مجتبی امیری ۱۳۷۴. تهران وزارت امور خارجه.